

معمولاً از شهر نیشابور در استان خراسان شرقی و در جنوب غربی آن است. این شهر یکی از شهرهای مهم و باستانی ایران است. در این شهر در برابر فوسس یا فرجی «بنگاه اجتماعه» بنا شده که یکی از بناهای مهم و باستانی است. این بنا در زمان صفویه بنا شده و در دوره قاجاریه بازسازی شده است. این بنا در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در زمان ناصرالدین شاه قاجار بازسازی شده است. این بنا در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در زمان ناصرالدین شاه قاجار بازسازی شده است.

**چکیده:**  
ابر شهر نام قدیمی تر نیشابور بوده است که در شکل‌های گوناگون، و به عنوان نام استان و ناحیه نیز آمده است. برخی آن را به معنی شهر بالا و برخی دیگر منسوب به عشایر «آبرنی»، از لقب «داهه»، بنیان گذاران حکومت اشکانی می‌دانند. اما با توجه به اشاره بندهشن به نام «آبرنک شهر» و اهمیت این ناحیه در سرزمین پارسه، گونه دوم درست‌تر است. از حدود سده چهارم و پنجم هجری به بعد، نام ابر شهر می‌جور شد و تنها نام نیشابور که در دوره ساسانی پیدا شده بود، معمول گردید. این نام صورت تغییر یافته واژه‌ای مرکب از دو بخش «نیو» و «شاپور» است، به معنی شاپور خوب یا شاپور نیکوکار، و آن بازمی‌گردد به انتساب بنای شهر به شاپور لؤل، یا بازسازی آن توسط شاپور دوم.



بهزاد نعمتی  
مرکز خراسان‌شناسی

### ابر شهر، نیشابور

آبر شهر نام قدیمی تر شهر نیشابور بوده که به شکل‌های «آبر شهر»، «آبر شهر»، «آبر شهر»، و «آبر شهر» نیز آمده است.

ابر شهر گاه به یکی از استانهای خراسان<sup>۱</sup> و گاه به ناحیه و کوره نیشابور<sup>۲</sup> اطلاق شده است؛ برخی نیز آن را بر شهر نیشابور<sup>۳</sup> یا مرکز ناحیه آن منطبق دانسته‌اند. «دینوری»

۱- یوزف مارکواریت، ابران شهر در جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۳، ص ۳۷.

۲- رقیه بهزادی (مترجم و مصحح)، بندهش هندی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۰۵؛ نیز: یعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۲، ص ۵۴.

۳- ابو عبدالله حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، مقدمه، تصحیح و

علاوه بر این از ابرشهر دیگری در فارس یاد کرده است.<sup>۱</sup> مانعی نیست که این نام در یک زمان به معنی خود شهر و ناحیه نیشابور به کار رفته باشد، چنان که نام «نیشابور» در طی دوران اسلامی چنین دامنه اطلاق داشته است.

حضور و فعالیت عشایر «آپزنی» از اقوام «داهه» - بنیان گذاران حکومت اشکانی - در این ناحیه باعث شده تا ابرشهر مأخوذ از نام ایشان و در اصل «آپزنک شهر» دانسته شود.<sup>۲</sup> در بندهش نیز آمده است که «ابرشهر را چنین گوید که آپزنک شهر است».<sup>۳</sup>

نظریه دیگر در باره نام ابرشهر با در نظر گرفتن «آبر» به معنی بالا، بالای و بزرگ به دست می آید.<sup>۴</sup> در این معنی ابرشهر، «شهر بالا» معنی می شود مانند آورده به معنی «ده بالا».<sup>۵</sup> اصطلاح اپر / ابرشهر شاید از نامی کهن ریشه گرفته باشد که به مفهوم شهر بالای هخامنشیان، یا شهربانی بالای سلوکیان است.<sup>۶</sup> «البته نام سرزمین علیا، در ارتباط با گمش = قومس = دامغان فعلی | به مثابه سرزمین سفلی تلقی می شود».<sup>۷</sup>

در مورد هر دو گونه اشتقاق متأسفانه هیچ توضیح یا خبری دقیق و روشن در منابع قدیمی به دست نیامده است<sup>۸</sup>، اما اشاره بندهش به آپرنک شهر و نیز اهمیت و موقعیت

تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، تهران ۱۳۷۵، ص ۷۰؛ نیز: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۷۴، ج ۲، ذیل واژه «ابرشهر».

۱- همان، ص ۵۵۵ به نقل از دینوری.

۲- ایرانشهر در جغرافیای موسی خورنی، ص ۱۵۰؛ نیز: ر. ن فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۸، ج سوم، ص ۲۹۰؛ نیز: ابن خلف تبریزی، برهان فاطع، مؤسسه مطبوعاتی علمی، بی جا، بی تا، ذیل واژه «ابرشهر».

۳- بندهش هندی، ص ۱۵۱.

۴- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه «آبر»؛ نیز: غیاث الدین محمد رامپوری، غیاث اللغات، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کانون معرفت، تهران، بی تا، ج ۱، ذیل واژه «آبر».

۵- محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴، ج ۵، ذیل واژه «ابرشهر».

۶- میراث باستانی ایران، ص ۲۹۰. ۷- ایرانشهر در جغرافیای موسی خورنی، ص ۱۵۰.

۸- نظر سومی هم با تلفظ «آپزنشهر» وجود دارد، چنان که در تاریخ نیشابور الحاکم (ص ۱۹۹) آمده: «زمین نیشابور ارفع مقام مسکون است و یک دلیل آن است که در دواوین قدیمه نام این شهر ابرشهر نوشته شده، یعنی شهری که به ابر نزدیک است از کمال ارتفاع خصوصیت دارد به ابر او را به ابراضافت کنند و دیگر دلیل آن که معتدل الهواست نه حار مفرط نه بارد مفرط نه سموم مفسد مهلک به خلاف باقی ممالک»؛ ولی موقعیت جغرافیایی و رقم ارتفاع نیشابور نسبت به نواحی اطراف موافق این توجیه نیست.

منطقه ابرشهر در سرزمین پارت، که در دوران اشکانی پر رونق بود، بر این نظر که اپرنک شهر صورت اصلی ابرشهر است می افزاید و از طرف دیگر، عنوان «شهر بالا» برای ابرشهر در برابر قومس یا هر جای دیگر به مثابه سرزمین پایین، در نظریه دوم، چندان قابل قبول نبوده و تقارن و مناسبتی را نشان نمی دهد. ابن ابی الطیب (م. ۴۵۸ هجری) نیز در شعری «ابرشهر» را قطب شهرها توصیف می کند:

دعیت ابرشهر البلاد لانها قطب و سائرها رسوم السور<sup>۱</sup>

نام اپرشهر به عنوان محل ضرباب خانه، حک شده بر روی سکه فرهاد دوم اشکانی (حکومت ۱۲۸ تا ۱۳۸ ق. م.) از قدیمی ترین مدارک مربوط به آن است.<sup>۲</sup>

ابرشهر در طی دوران اشکانی رونقی فراوان یافت، چنان که در پایان عهد اشکانیان و آغاز روزگار ساسانیان منطقه ای شناخته شده بود.<sup>۳</sup> «طبری» ابرشهر را در کنار مرو، بلخ، گرگان، سیستان و خوارزم جزو متصرفات اردشیر بابکان بنیان گذار سلسله ساسانیان آورده<sup>۴</sup> و در کتیبه شاپور در کعبه زرتشت نام ابرشهر نیز در حدود مرزهای ایران شهر و از باج گذاران ساسانی ذکر شده است.<sup>۵</sup> ابرشهر در این زمان یکی از استانهای وسیع مملکت محسوب می شده است<sup>۶</sup> و نام آن از این زمان به بعد بر روی سکه های «پیروز»، «قباد»، «بهرام چوبین» و «خسرو اول» نقش بست<sup>۷</sup> و در کتب مختلف همچون جغرافیای موسی خورنی<sup>۸</sup> (سده پنجم میلادی) و تاریخ سبثوس ارمنی<sup>۹</sup> (سده هفتم میلادی) وارد شد. در سده های نخستین اسلامی، ابرشهر در کنار نیشابور به عنوان نام حضور دارد، تا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱- تاریخ نیشابور، مؤید ثابتی، ص ۳۹۲.
- ۲- ملکزاده بیانی، تاریخ سکه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۰، ج ۲ ص ۵۸.
- ۳- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ذیل واژه «ابرشهر».
- ۴- همان، ص ۵۵۵ به نقل از طبری.
- ۵- و. گ. لوکونین، تمدن ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۵، ص ۶۵.
- ۶- همان، ص ۷۹.
- ۷- احسان یارشاطر و دیگران، تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۸، ج سوم قسمت اول، ص ۴۴۴؛ نیز: علی مؤید ثابتی، تاریخ نیشابور، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۵، ص ۹ تا ۱۱.
- ۸- ایران شهر در جغرافیای موسی خورنی، ص ۳۷.
- ۹- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه «ابرشهر».

این که به تدریج از سده‌های چهارم و پنجم هجری نیشابور یکسر به جای ابرشهر می‌نشیند و در منابع این دوران به بعد، جز بندرت، نام ابرشهر برای این ناحیه و شهر به کار نمی‌رود. اطلاق نام «ایران‌شهر» به این منطقه که در برخی متون مانند احسن التقاسیم آمده نیز، تصحیف نام ابرشهر و اطلاق به خطا دانسته شده است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

نیشابور که به صورتهای «نیشاپور»، «نشاپور» و «نیشابور» نیز آمده، به عنوان نام بعد از ابرشهر و در روزگار ساسانیان پیدا شد و از آن زمان به بعد به یکی از شهرهای مهم خراسان اطلاق یافت.

این نام صورت تغییر یافته یک واژه مرکب به زبان پهلوی ساسانی است: قسمت اول نام یعنی «نی» را برخی در اصل «نه»<sup>۲</sup> (ریشه فعل نهادن؛ به معنی جای و شهر)<sup>۳</sup> و برخی «نیو»<sup>۴</sup> (صفت؛ به معنی دلیر، مردانه، بهادر، زیبا و خوب)<sup>۵</sup> و بعضی نیز «نیک»<sup>۶</sup> (صفت؛ به معنی خوب، خوش، زیبا و شخص نیکوکار)<sup>۷</sup> دانسته‌اند. قسمت دوم نام یعنی «شابور»، در اصل «شاه پوهر» (شاهپور، شاپور و معرب: سابور) به معنی شاه زاده و پسر شاه<sup>۸</sup> و در این جا اسم خاصی است که به سازنده شهر باز می‌گردد. و او در روایات

۱- تاریخ نیشابور (الحاکم)، بخش تعلیقات، ص ۲۵۷ و ۲۵۸؛ و نیز یاقوت حموی: معجم البدان، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۷۹ م، ج الخامس، ص ۲۸۲.

۲- لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ذیل واژه «نیشابور»؛ نیز: محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی (سروری)، مجمع‌الفرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کتاب‌فروشی علمی، تهران ۱۳۴۱، ذیل واژه «نیشابور».

۳- محمد پاشا (شاد)، فرهنگ آندراج، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کتابخانه خیام، تهران، بی‌تا، ج ۷، ذیل واژه «نه».

۴- ن. و پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷، ص ۲۲۸؛ ایران‌شهر در جغرافیای موسی خورنی، ص ۱۴۹؛ لورنس لاکهارت، «نیشابور»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال سوم، شماره چهارم، مسلسل ۱۲، زمستان ۱۳۴۶، ص ۳۳۸.

۵- همان، ص ۳۳۸؛ نیز: فرهنگ آندراج، ج ۷، ذیل واژه «نیو».

۶- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۳، ص ۴۰۹؛ نیز: برهان قاطع، ذیل واژه «نیشابور».

۷- لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ذیل واژه «نیک».

۸- فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ذیل واژه «شاهپور»؛ نیز: لغت‌نامه دهخدا، ج ۹، ذیل واژه «شاهپور».

مختلف، شاپور پسر نستوه<sup>۱</sup> (نواده گودرز و از اعیان و پهلوانان مملکت فریدون و منوچهر که در جنگ سوم نوذر با افراسیاب کشته شد)، یا شاپور اول<sup>۲</sup> حکومت ۲۴۱ تا ۲۷۲ م) و یا شاپور دوم ساسانی<sup>۳</sup> (۳۰۹ تا ۳۷۹ م) عنوان شده است. آنچه که آشفتگی اقوال و دشواری رهیافت به نظر صحیح را دامن می‌زند، شباهت نام سه شهر ساسانی شاپور، نیشاپور و جندی شاپور با هم است که باعث اشتباه و درهم شدن روایات و تواریخ مربوط به ساخت، سرگذشت و ویژگی این شهرها شده است.<sup>۴</sup> در روایات متعدّد، شهر و کاریزهایش به «تهمورث دیوبند»، «ایرج» و «منوچهر» نسبت داده شده<sup>۵</sup> و تنها در مجمل‌التواریخ و القصص از شاپور پسر نستوه به عنوان سازنده شهر نام برده شده، اما این انتساب که با تردید گزارش شده در منبع دیگری تأیید نمی‌شود. اکثر خبرها، از جمله متن پهلوی ساسانی «شهرستانهای ایران» که در زمرة قدیمی‌ترین آنهاست، بنای شهر و نام آن را به شاپور اول منسوب می‌دارند. بنابراین روایات، شاپور اول پس از جدال با پهلینک تورانی [در این مکان شهری ساخت و آن را به شاپور (شهر شاپور) یا نیوشاهپور (شهر زیبای شاپور - شاپور خوب) نام نهاد].<sup>۶</sup> در فاصله بین شاپور اول و شاپور دوم شهر ویران می‌شود و شاپور دوم آن را تجدید بنا می‌کند. این دوباره سازی شهر به دست او باعث شده تا برخی نام شهر را برگرفته از نام شاپور دوم ساسانی بدانند.<sup>۷</sup>

- ۱- گمنام، مجمل‌التواریخ و القصص، تصحیح محمدتقی بهار، کلاله خاور، تهران ۱۳۱۸، ص ۶۳.
- ۲- جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب - آریانا (گردآورنده)، متون پهلوی، گزارش سعید عریان، کتابخانه ملی ایران، تهران ۱۳۷۱، ص ۶۵؛ نیز: ابوالحسن بیهقی، تاریخ بیهقی، به کوشش احمد بهمنیار، کتاب فروشی فروغی، تهران ۱۳۶۱، ص ۴۳.
- ۳- ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵۵؛ نیز: تاریخ نیشابور (الحاکم)، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.
- ۴- احمد کسروی، «شاپور - نیشاپور و جندی شاپور»، مجله نگین، س ۱۲، ش ۱۳۴، تیرماه ۱۳۵۵، ص ۵۵ و ۵۶؛ یاقوت نیز اشاره‌ای به این نامها دارد، ر.ک: معجم البلدان، ص ۳۸۲.
- ۵- حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، چاپ افست از نسخه خطی میرزا مهدی شیرازی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۸۵؛ نیز: تاریخ نیشابور (الحاکم)، ص ۱۹۷.
- ۶- متون پهلوی، ص ۶۵؛ نیز: تاریخ بیهقی، ص ۴۳.
- ۷- ر.ک. یادداشت شماره ۳۱؛ نیز: تاریخ نیشابور، ص ۳۲۸.

با توجه به سگه‌های ساسانی ضرب شده در نیشابور (در برخی سگه‌ها: نیه)<sup>۱</sup> و قراینی چون نحوه معرب کردن نام توسط اعراب (نیشابور) به نظر می‌رسد «نیو شاهپور» صورت اصلی نام نیشابور و تشکیل شده از صفت و اسم به جهت تقدیر از سازنده شهر باشد که از روزگار ساسانیان پدید آمد و در بعد از اسلام معرب شده، به صورت «نیشابور» در آمد.



### ژوئشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ نیشابور (مؤید ثابتی)، ص ۹. «نیه» یا «نیه» نام قدیم شهر نهبندان هست که از دوران پیش از اسلام رونق داشته است. در بررسیهای باستان‌شناسی، آقای لتاف خانیکی، یافته‌هایی از دوران اشکانی در این شهر به دست آورده است. انتساب این شهر به اردشیر بابکان و تشابهات اسمی، روایات مربوط به وجه تسمیه «نیشابور» و «نیه» را در معرض اشتباه قرار می‌دهد. اطلاعات بسیار کم از «نیه» در دوران ساسانی مزید این کاستی است.